

The International Humanitarian Rights of Children in War: A Legal Overview

 **Abozzar Abdi**

PhD Student in International Law, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author)
abdi14@ut.ac.ir

 **Mohhamadali Solhchi**

Associate Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Political Science, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.
solhchi@yahoo.com



Abstract

Humanitarian law, as a significant branch of international law, plays a crucial role in regulating the protection of civilians during armed conflicts. Among the most vulnerable groups in such conflicts are children, whose special needs and fragile circumstances demand particular attention. International humanitarian rights of children are derived from various treaties, customs, and legal principles, establishing protective measures under war conditions. This article provides a comprehensive overview of the legal position on children's rights in armed conflicts, analysing key international documents such as the Geneva Conventions, the Convention on the Rights of the Child, and protocols from international organizations.

Journal of Research and
Development in Public Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 1 | No. 2 | Fall 2024 and
Winter 2025
(Original Article)

<https://jrpl.illrc.ac.ir>

DOI:

<https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.2042429.1113>

. The study explores the scope, implementation, and limitations of these protections, addressing the challenges in enforcement and the urgent need to strengthen legal mechanisms to safeguard children's rights during war.

Keywords: Humanitarian rights, children, war, international law, protection



حقوق کودکان از منظر اسناد مرتبط با حقوق بشردوستانه بین المللی

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

abdi14@ut.ac.ir

ابوذر عبدی 

دانشیار گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

solhchi@yahoo.com

محمدعلی صلح بی 



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی
پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۲ | پاییز و زمستان ۱۴۰۳
(مقاله پژوهشی)

<https://jrpl.illrc.ac.ir>

DOI:

<https://doi.org/10.22034/ir.pl.2025.2042429.1113>

چکیده

حقوق بشردوستانه در قامت حقوق در جنگ، بخش مهمی از مقررات حقوق بین الملل را به خود اختصاص می دهد. بخشی از این مقررات ناظر بر حقوق کودکان در جنگ هستند. این مجموعه مقررات را می توان حقوق بین الملل بشردوستانه کودکان نامید. حقوق بین الملل بشردوستانه کودکان از موضوعات بسیار مهمی است که مقررات قابل توجهی از حقوق بین الملل را به خود اختصاص داده است. وضعیت خاص کودکان به لحاظ سنی، از یک سوی و موضوع جنگ از سوی دیگر، اهمیت حقوق کودکان را دوچندان می کند. به عبارت دیگر گروهی از غیرنظامیانی که در شرایط خاص جنگی، حمایت ویژه تری را می طلبند. اینکه موضع حقوق بین الملل در این خصوص چیست، موضوعی مفصل است، اما اجمالاً می توان گفت که معاهدات، عرف، اصول کلی حقوقی و سایر منابع حقوق بین الملل خصوصاً در مورد حقوق کودک در شرایط جنگی که از آن تعبیر به حقوق بشردوستانه کودکان می شود، مقرراتی را تعیین و وضع کرده اند؛

بنابراین حقوق کودکان در شرایط جنگی از ابعاد گوناگون قابل بررسی است. در این مقاله به طور خاص اسناد بین‌المللی مرتبط اعم از معاهدات، برخی رویه‌های مکتوب سازمان‌های بین‌المللی و... مورد بررسی قرار می‌گیرد تا روشن شود که چه حقوقی در شرایط جنگی براساس اسناد بین‌المللی مزبور برای کودکان متصور است.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشردوستانه، کودکان، جنگ، اسناد بین‌المللی، حمایت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

درآمد

تفکیک کلاسیک حق بر جنگ^۱ و حق در جنگ^۲ هرکدام مبین قلمروهایی در تلاقی میان حقوق و جنگ هستند (برای مطالعه بیشتر رش: ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۱ و ممتاز، رنجبریان، ۱۳۸۵). اگرچه به ظاهر متناقض است ولی جهت مهار بیشتر شدت تخریبی جنگ، حقوق وارد می شود. در طول تاریخ ظاهراً این دو مفهوم در قالب مذهب، اخلاق، معاهده و... در کنار هم مطرح بوده اند، اما حسب بررسی های تاریخی عموماً هم در نظر و هم در عمل، جنگ غالب بوده است.

حق بر جنگ، امروزه در قالب منشور ملل متحد (مواد ۲ بند ۴ و ۳۹) (United Nation Charter, arts 2(D), 39). تحول مفهومی یافته و مطلقاً مفهومی ضیق پیدا کرده است. به عبارت دیگر حسب مواد فوق الذکر که از قواعد عرفی و آمره حقوق بین الملل نیز محسوب می شوند، هرگونه تهدید یا توسل به زور ممنوع است، مگر در مواردی که حقوق بین الملل مجاز بداند. از سوی دیگر، حق در جنگ مفهومی وسیع یافته و مقررات عرفی و معاهده ای زیادی ایجاد شده که حاکمیت حقوق در جنگ را پررنگ تر از گذشته کرده است. امروزه این حقوق موسوم به حقوق بشردوستانه هستند. حال دو عرصه فوق الذکر زمانی که با کودک در قامت نوع خاص انسانی تلاقی پیدا می کنند، اهمیت مفهوم حقوق بشردوستانه دوچندان می شود. زیرا کودکان حسب اقتضای سن خود حمایتی مضاعف نسبت به سایر انسان ها می طلبند. سؤال اساسی ما این است که اسناد مرتبط با حقوق بین الملل بشردوستانه در خصوص حقوق کودکان در جنگ چه موضعی دارند؟

سابقه تحقیق در این خصوص، هم جدید به نظر می رسد و هم سابقه دار می نمایاند. اگرچه این امر مدت هایی است از اجلاس ها و آثار مربوط به حقوق کودک شنیده می شود ولی بررسی جامعی در خصوص این موضوع که اسناد مربوطه بشردوستانه در خصوص حقوق کودک در جنگ چه موضعی گرفته اند، موجود نیست. برای همین در این اثر تا حد امکان کلیه اسناد مربوطه بین المللی، در خصوص موضوع، بررسی و حقوق کودکان در جنگ ها

1. Jus ad bellum

2. Jus in bello.

اعم از داخلی و بین‌المللی هویدا خواهد شد. برای نگارش اثر از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است و هر جا مجال بوده راهی برای بهتر شدن این مقررات ترسیم شده است. در این خصوص با دو مجموعه مقررات بشردوستانه مجزا، هر چند به صورت محدود، روبه‌رو هستیم. دسته‌ای از مقررات کلیه کودکان در جنگ را مدنظر قرار داده و از آن‌ها حمایت کرده‌اند و دسته‌ای دیگر کودکانی را که علاوه بر موقعیت جنگی در وضعیت خاص‌تری قرار گرفته‌اند، حمایت کرده‌اند. برای ورود به بحث به‌ناچار از تعریف کودک عبور می‌کنیم تا بتوان روشن‌تر از موضوع بحث کرد.

در خصوص تعریف کودک همچنان در قوانین داخلی کشورها و حتی اسناد بین‌المللی اختلاف وجود دارد.^۱ بر اساس ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) (The Convention on the Rights of the Child, 1989, art 1) کودک به هر فرد زیر ۱۸ سال اطلاق می‌شود، مگر در قوانین داخلی کشورها سنی کمتر لحاظ شده باشد. این رویکرد اگرچه با تعیین معیار سنی اقدامی مثبت است ولی چون در انتها، قوانین داخلی کشورها را لحاظ قرار داده است، ممکن است چالش‌آفرین باشد (برای مطالعه بیشتر رش: مصفا، ۱۳۸۳). برخی دیگر از اسناد بین‌المللی معیار سنی متفاوتی را لحاظ کرده‌اند. براساس ماده ۲۴ کنوانسیون چهارم ژنو تشخیص هویت افراد زیر ۱۲ سال را با نشان‌های مخصوص ملاک قرار گرفته است. براساس همین سند برای موارد دیگری سن معیار ۱۵ سال در نظر گرفته شده است

(Geneva Convention (IV) Relative to Protection of Civilian Persons of the Time of War, 1949, arts 14, 23, 24, 38, 89).

همچنین براساس پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو در خصوص به‌کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه معیار اخیر مدنظر قرار گرفته است.

(Protocol Additional to the Geneva Convention on the of 12 August 1949, Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts, 1977, art 77 (A))

۱. در خصوص تعریف کودک به لحاظ فقه امامیه موضوع شرعی بر سایر جنبه‌ها غلبه دارد. در این خصوص رش (ناصری و درویشی، ۱۴۰۱: ۵)

امروزه با مطالعه قواعد حقوق بین الملل به نظر می‌رسد، معیار ۱۸ سال همچون معیاری فراگیر از سوی جامعه بین‌المللی با استقبال بیشتری روبه‌رو است. البته اگر در دیگر اسناد بین‌المللی معیاری پایین‌تر مدنظر قرار گرفته باشد، باتوجه به اینکه عموماً در جهت حمایت بیشتر از کودکان است، معیارهای اخیر ملاک قرار می‌گیرند.

به‌طور کلی حقوق غیرنظامیان اساسی‌ترین بحث حقوق بین‌الملل بشردوستانه را شکل می‌دهد (باقرزاده و رنجبریان، ۱۳۹۴: ۱۲۶). کودکان در قامت بخشی از این گروه غیرنظامیان علاوه بر برخورداری از این حمایت‌های عام، باتوجه به اقتضائات سنی از حمایت‌های خاصی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه برخوردار هستند. بخشی از این حمایت‌ها به‌طور عام شامل همه کودکان می‌شود ولی بخشی هرچند کم براساس وضعیت‌های خاص این گروه از کودکان شکل می‌گیرد. برای نسق بیشتر موضوع در دو گفتار بررسی می‌شود.

۱- حقوق بشردوستانه مختص همه کودکان

۱-۱. حق برخورداری از حمایت‌های خاص

همان‌طور که مطرح شد لزوم احترام و حمایت‌های ویژه از کودک امری مهم است. کودک به‌دلیل ناتوانی جسمی و روانی از قدرت لازم در جهت دفاع از خود به‌خصوص در زمان و موقعیت جنگی که آسیب‌پذیری کودک را مضاعف می‌کند، برخوردار نیست. به‌این‌دلیل حمایت خاص از آنان به‌لحاظ عقلانی امری بدیهی و ضروری است. البته اینکه از این «ضرورت» بتوان همچون «حق» برای کودک نام برد، امری جداست. دراین‌صورت کودک در قامت فردی صاحب حق تلقی می‌شود که اصطلاحاً «محق» نام می‌گیرد و در برابر این حق، تکالیفی برای سایرین ایجاد می‌شود. ازاین‌رو «لزوم حمایت خاص از کودک» به «حق برخورداری از حمایت خاص» تغییر شکل می‌دهد. این حق از سوی برخی نویسندگان به «حق تأمین» تعبیر شده است (محبوب، ۱۴۰۲: ۱۴۸). دراین‌صورت حق مذکور دلالت بر حمایت‌های خاصی می‌کند که برای کودکان به وجود می‌آید.

کنوانسیون چهارم ژنو ضرورت حمایت‌های خاص از گروه‌های دیگری از افراد را مطرح کرده است ولی بر حمایت خاص از کودک تأکید ندارد. لزوم حمایت از سایر گروه‌ها بدین معنا نیست که کودک در زمره این افراد قرار نمی‌گیرد، بلکه هرگاه کودک نیز در وضعیت این گروه‌ها قرار گیرد، از حمایت‌هایی که برای این افراد در نظر گرفته شده، برخوردار است. برای نمونه ماده ۱۶ این کنوانسیون بیان می‌کند: «مجروحین، بیماران و همچنین معلولین... مورد حمایت و احترام خاص قرار خواهند گرفت...»

یا در ماده چهار مطرح می‌کند که اشخاصی که در هر زمان و به هر شکل به دست دولت داخل در جنگ یا دولت اشغال‌کننده غیر از دولت متبوع خود می‌افتند، تحت حمایت‌اند. برخوردار نبودن از حمایت‌های خاص از کودکان در کنوانسیون چهارم را می‌توان یک نقص برای این کنوانسیون دانست، اما پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو درصدد رفع این نقیصه برآمده‌اند و به ذکر لزوم حمایت خاص از کودکان پرداخته‌اند.

بند ۱ از ماده ۷۷ پروتکل اول بیان می‌دارد که کودکان باید مورد احترام خاص قرار گیرند و در برابر هر شکل از هتک حرمت حمایت شوند. این ماده که برای کلیه کودکان مطرح است، طرفین متخاصم را ملزم کرده تا مراقبت و کمکی که کودکان خواه به علت سن و یا به هر علت دیگری به آن نیاز دارند تأمین کنند (Yves, 1987: 1377-1378).

پروتکل الحاقی دوم نیز بیان می‌کند: «کودکان باید تحت مراقبت و کمک‌هایی که برای آن‌ها لازم است به‌ویژه در موارد ذیل قرار گیرند:

الف) آن‌ها باید تحت تعلیم و تربیت مشتمل بر تعلیم و تربیت مذهبی و اخلاقی به‌صورتی که والدین آن‌ها تمایل دارند (و در صورت فقدان والدین کسانی که مسئول مواظبت از آن‌ها هستند) قرار بگیرند.

ب) همه مراحل برای تسهیل پیوستن خانواده‌هایی که موقتاً از هم جدا شده‌اند.

پ) کودکانی که به سن ۱۵ سال نرسیده‌اند، مجاز به مشارکت در منازعات و استخدام در نیروها و گروه‌های مسلح نیستند.

ت) حمایت ویژه‌ای که به موجب این ماده برای اطفال زیر ۱۵ سال در نظر گرفته شده باید حتی در صورتی که آن‌ها علی‌رغم پاراگراف فوق به طور مستقیم در جنگ شرکت کرده و اسیر شده‌اند، قابل اجرا باقی بماند.

ث) اگر ضرورت داشته باشد، اقداماتی به عمل خواهد آمد و تا آنجا که ممکن است با رضایت والدین یا اشخاصی که به موجب قانون یا عرف اصولاً مسئول مراقبت از اطفال هستند، اطفال به طور موقت از منطقه جنگی به مناطق امن‌تر در داخل کشور انتقال یافته و تضمین شود با افرادی که مسئول حفظ سلامتی و تندرستی آن‌ها هستند، همراه شوند.»

ممکن است در مورد این ماده، این فرض به ذهن متبادر شود که لزوم حمایت خاص شامل مواردی است که در ماده مطرح شده است. ولی با آمدن لفظ «به ویژه»^۱ این فرض ضعیف می‌شود (Plattner, 1984:12). چرا که این ماده دلالت بر مراقبت‌هایی دارد که برای کودکان لازم است و این فارغ از نوع وضعیت یا موقعیتی است که کودک داراست. اما برای اینکه ماده با تأکید بیشتری با موضوع برخورد کند به ذکر این موارد پرداخته است. به عبارت دیگر، از نظر این ماده از همه کودکان باید حمایت خاص کرد، به خصوص کودکانی که وضعیت‌های مذکور در این ماده را دارند.

لزوم رعایت و احترام به قواعد حقوق بشردوستانه کودکان در مخاصمات مسلحانه، از دید کنوانسیون حقوق کودک نیز مغفول نمانده است و این کنوانسیون در ماده ۳۸ خود به این موضوع پرداخته است (The Convention on the Rights of the Child, art8)

۱-۲. لزوم آزادی عبور کمک‌های بشردوستانه و محموله‌های غذایی و دارویی

در این خصوص ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو مقرر کرده است که کلیه دولت‌های متعاهد ملزم هستند برای عبور کلیه محمولات دارویی، لوازم بهداشتی و اشیاء لازم جهت انجام مراسم مذهبی برای کلیه افراد غیر نظامی ولو از اتباع دشمن باشند، آزادی قائل شوند.

1. Specilly

همچنین بایستی ترتیبات آزادی عبور هرگونه محموله‌های خواروبار ضروری و لباس و مواد مقوی مخصوص اطفال کمتر از ۱۵ سال، زنان باردار و زنان تازه‌زا را نیز فراهم کنند.

به نظر می‌رسد، علت اصلی تمایز بین محموله‌های دسته اول که محموله‌هایی دارویی و لوازم بهداشتی است و محموله‌های دسته دوم که شامل خواروبار ضروری، لباس و مواد مقوی هستند، در این باشد که محموله‌های دسته اول منجر به افزایش توان رزمی دول متخاصم نمی‌شوند و تأثیری بر جریان جنگ ندارند. از این جهت عبور این محموله‌ها برای کلیه افراد غیرنظامی آزاد هست. اما از آنجاکه محموله‌های غذایی و مواد مقوی می‌تواند در افزایش توان رزمی دول متخاصم مؤثر باشد، عبور آن‌ها فقط برای اقشار آسیب‌پذیر یعنی زنان باردار، زنان تازه‌زا و اطفال کمتر از ۱۵ سال آزاد است (Pictet, 1958: 17).

البته این ماده رعایت آزادی عبور این محمولات را از سوی دولت‌های متخاصم مشروط به شرایطی کرده است. ماده مذکور مقرر می‌دارد، الزام دولت متعاهد در رعایت آزادی عبور محموله‌های مذکور به این شرط است که دولت مزبور مطمئن باشد که هیچ علت جدی وجود ندارد که بیم آن رود که: الف) محمولات مزبور از مقصد خود منحرف شوند؛ ب) بازرسی آن شاید مؤثر نباشد؛ ج) دشمن بتواند از محمولات مذکور استفاده مشهودی جهت مساعی نظامی یا در جهت اقتصاد خود کند. به این صورت که الزام دولت‌های متعاهد به برقراری آزادی عبور این محموله‌ها مشروط به این است که نیروهای دشمن نتوانند از آن‌ها استفاده نظامی کنند. به این خاطر دولت‌های متعاهد می‌توانند، برقراری این آزادی خود را مشروط کنند که تقسیم این محموله‌ها با نظارت آن‌ها انجام گیرد.

مبحث برقراری آزادی عبور محموله‌های دارویی و غذایی بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد و با وقوع جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ و مخاصمات مسلحانه پس از آن توسط شورای امنیت گسترش یافت، به نحوی که از نظر برخی صاحب‌نظران «اصل آزادی عبور محموله‌های غذایی و دارویی» در زمره قواعد عرفی قرار گرفته است (Dongen, 1991: 93).

پروتکل الحاقی اول نیز در این خصوص در بند ۱ از ماده ۷ مقرر می‌دارد که اقدامات امدادسانی که جنبه انسان‌دوستانه و بی‌طرفانه دارد و عاری از هرگونه تبعیض باشد با موافقت طرف‌های ذی‌ربط اعمال خواهد شد و در توزیع محموله‌های امدادی افرادی مانند

کودکان، زنان باردار، زنان در حال زایمان و مادران شیرده در اولویت قرار دارند. این ماده برای گروه‌ها و افرادی که ذکر کرده است، به‌نوعی رفتار ترجیحی قائل شده است و در اقدامات امدادرسانی بر سایر گروه‌ها تقدم دارند.

به نظر می‌رسد که «اصل ممنوعیت به گرسنگی کشاندن جمعیت غیرنظامی»، اصل آزادی عبور محموله‌های غذایی را دنبال داشته باشد. با توجه به اینکه پروتکل الحاقی دوم در خصوص آزادی عبور محموله‌های غذایی و دارویی مقرراتی وضع کرده است ولی در ماده ۱۴، ایجاد قحطی میان شهروندان را در قامت وسیله جنگی ممنوع می‌داند، می‌توان بیان کرد که اصل آزادی عبور محموله‌های غذایی و دارویی در طول مخاصمات مسلحانه داخلی نیز قابل اعمال باشد. البته این مورد تا جایی است که قحطی صورت بگیرد.

۱-۳. انتقال کودکان از مناطق جنگی

ایجاد مناطق امن و انتقال کودکان از مناطق جنگی به این اماکن، می‌تواند آسیب‌پذیری کودکان را به میزان قابل توجهی کاهش دهد؛ بنابراین برای تضمین بیشتر امنیت کودکان، دول متخاصم به انعقاد موافقت‌نامه‌هایی در جهت شناسایی این مناطق (GC IV, art. 14) و نیز برای انتقال آن‌ها (Ibid, art. 17) مبادرت می‌کنند.

کنوانسیون چهارم ژنو ابتدا به شناسایی مناطقی امن تأکید دارد که توسط دول متخاصم ایجاد شده‌اند. به این ترتیب دول متخاصم با ایجاد این مناطق می‌توانند (زخم داران، بیماران، معلولین، پیران و...) اطفال کمتر از ۱۵ سال و زنان باردار و مادران اطفال کمتر از ۷ سال را به این نقاط منتقل کنند.

در این راستا ماده ۲۴ کنوانسیون چهارم از دول عضو می‌خواهد، اقدامات لازم را جهت انتقال اطفال زیر ۱۵ سال که به علت جنگ یتیم یا از خانواده خود جدا شده‌اند، مبذول دارند. این ماده جهت انتقال، هیچ‌گونه شرطی را لحاظ نکرده است، اما ماده ۷۸ پروتکل اول الحاقی شرایطی را مطرح کرده است که یکی مربوط به ضرورت سلامت یا درمان پزشکی کودکان است و دیگری به رضایت کتبی والدین و در صورت فقدان آن‌ها به رضایت سرپرست قانونی تأکید دارد (AP (I). art 7 (C)).

یونیسف و کمیساریای عالی پناهندگان نیز در سال ۱۹۹۲ بیانیه‌هایی در ارتباط با انتقال کودکان از یوگسلاوی (سابق) صادر کردند که علاوه بر تأکید به رعایت ترتیبات ماده ۷۸ پروتکل فوق‌الذکر، بر اهمیت حفظ یکپارچگی خانواده‌ها و جلوگیری از جدایی کودکان از والدینشان و ارائه حمایت و کمک‌های مؤثر به کودکان انتقال‌یافته، تأکید دارند (Ressler, 1992:29).

پروتکل الحاقی دوم نیز در بند ۳ ماده ۴ خود به این موضوع پرداخته است، اما باتوجه به آثار سوئی که از این انتقال ناشی می‌شود و همچنین برخی تجربه‌های تلخ تاریخی، از جمله انتقال کودکان در جنگ داخلی اسپانیا به اتحاد جماهیر شوروی (سابق) و یا انتقال کودکان یونانی به کشورهای خارجی، دولت‌ها را بر آن داشت تا برای مقابله با اثرات سوء ناشی از انتقال کودکان در طول مخاصمات مسلحانه داخلی، تدابیر خاصی در پروتکل دوم پیش‌بینی کنند. براساس پروتکل دوم انتقال کودکان در طول مخاصمات مسلحانه داخلی در صورت ضرورت و با رضایت والدین آن‌ها یا سرپرست قانونی آنان به صورت موقت و نیز با همراهی اشخاصی که مسئول حفظ سلامت و تندرستی آن‌ها هستند، امکان‌پذیر هست. در کنار این مسائل می‌توان از وضعیت «انتقال اجباری» نیز یاد کرد. این نوع انتقال که فاقد عنصر رضایت است در ماده ۲ کنوانسیون منع نسل‌کشی (Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, art. ۱۹۴۸, ۲) در قامت یکی از موارد و مصادیق نسل‌کشی مطرح شده است. براساس این ماده انتقال اجباری کودکان از یک گروه به گروه دیگر از انواع ژنو ساید است. باتوجه به رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه حق شرط بر کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی، که دیوان تأکید بر عرفی بودن ترتیبات مندرج در این کنوانسیون دارد، در صورت نقص این تعهد توسط طرفین متخاصم و انتقال اجباری کودکان در طول مخاصمات مسلحانه، مسئولیت کیفری این افراد را در پی خواهد داشت (Advisory Opinion of ۲۸ May ۱۹۵۱, Reservation to the Convention on Prevention and Punishment, pp. ۱۹۵۱-۳, ۲۴).

موضوع قابل توجهی که دادگاه رواندا در قضیه آکاسیو مطرح کرده، انتقال اجباری کودکان فقط محدود به اعمال مادی که منجر به انتقال اجباری شود، نمی‌شود. بلکه اقدام به تهدید

یا اراعی که چنین نتیجه‌ای را هم در پی داشته باشد نیز شامل می‌شود (Akaysen Case, ICTR-96-4-T-, para. 509).

۱-۴. لزوم همبستگی و پیوستگی خانواده

خانواده مهم‌ترین نهادی است که رشد و نمو کودک در آن صورت می‌گیرد و وضعیت جنگی یکی از خطرناک‌ترین مواردی است که این نهاد را تهدید به ازهم‌پاشیدگی می‌کند. این حق بدیهی و اولیه برای کودک است که از موهبت خانواده برخوردار شود. حقوق بشردوستانه با لحاظ این مهم، توجه ویژه‌ای به انسجام و پابرجایی خانواده دارد (Lundy, 2020: 16). ماده ۸۲ کنوانسیون چهارم ژنو باتوجه به این امر خطیر، اشاره به خانواده‌هایی دارد که در وضعیت بازداشت به سر می‌برند. برحسب این ماده اعضای یک خانواده، خصوصاً پدر، مادر و کودکانشان در طول بازداشت در مکانی واحد جمع خواهند شد. همچنین ماده ۴۹ با اشاره به وضعیت اشغال، دولت اشغالگر را ملزم کرده که تا هنگام انتقال اشخاص مورد حمایت از یک منطقه به منطقه دیگر به ترتیبی اقدام کند تا اعضای خانواده از هم جدا نشوند.

دامنه این حمایت‌ها در پروتکل اول الحاقی گسترش یافته است. در این پروتکل مقرر شده است که در مواردی که خانواده‌ای بازداشت شده یا تحت نظر قرار می‌گیرد، در صورت امکان، باید در محل واحدی نگهداری شود و همچون واحد خانوادگی اسکان داده شوند و طرف‌های متخاصم را ملزم کرده تا به هر طریق ممکن پیوستن مجدد خانواده‌هایی که بر اثر مخاصمات مسلحانه از همدیگر جدا شده‌اند را تسهیل بخشیده و نیز سازمان‌های بشردوستانه‌ای که به این وظیفه اشتغال دارند را نیز تشویق کنند (arts. ۱۹۹۷GP (I), ۴, arts. ۷۵).

پروتکل دوم الحاقی نیز به ضرورت توجه به مسئله خانواده صحه گذاشته و در بند ۳ از ماده ۴ تصریح کرده است که تمام مراحل مناسب برای تسهیل پیوستن مجدد کودکانی که بر اثر مخاصمات از خانواده‌های خود جدا شده‌اند باید مرعی شود.

به‌طور کلی می‌توان بیان داشت که پیوستن مجدد کودکانی که بر اثر مخاصمات از خانواده‌های خود جدا شده‌اند، بستگی به برقراری ارتباط آن‌ها با خانواده‌شان از طرق

مختلف از جمله نامه، تلفن یا حفظ و نگهداری اطلاعات دقیق در مورد کودک و محل نگهداری او توسط سازمان‌ها یا ارگان‌های خاص دارد (اسدی، ۱۳۸۷: ۸-۷).
در این خصوص کنوانسیون چهارم ژنو ترتیبات مهمی را پیش‌بینی کرده است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۱-۴. پیغام‌های خانوادگی:

ماده ۲۵ کنوانسیون چهارم ژنو بیان می‌دارد که هر شخصی که در خاک یک دولت متخاصم یا در اراضی اشغالی آن دولت باشد، می‌تواند اخباری را که صرفاً جنبه خانوادگی دارد به اعضای خانواده خود در هر کجا که باشد، داده یا از آن‌ها دریافت کند و این قبیل مکاتبات به سرعت و بدون هیچ تأخیر غیرموجهی انجام خواهد شد.

چنانچه تبادل مکاتبات خانوادگی به وسیله پست عادی به عللی مشکل یا غیرمقدور باشد، دولت‌های متخاصم وظیفه خود را در تبادل این مکاتبات به واسطه یک آژانس مرکزی اطلاعات و با کمک حمایت‌های ملی صلیب سرخ انجام خواهند داد.

۴-۱-۲. **دفتر رسمی اطلاعات**^۱: مطابق ماده ۱۳۶ کنوانسیون چهارم ژنو به محض شروع جنگ و در کلیه موارد اشغال یک دفتر رسمی اطلاعات تشکیل خواهد شد که مسئول وصول و ارسال اطلاعات مرتبط با اشخاص مورد حمایت موجود در اختیار آن دولت خواهد بود.

بر اساس ماده ۵۰ این کنوانسیون، این دفتر مأموریت خواهند یافت که اقدامات لازم را به منظور تشخیص هویت اطفالی که هویتشان مسلم نیست، به عمل آورده و در صورتی که اطلاعاتی در مورد پدر، مادر یا سایر خویشاوندان نزدیک آن‌ها وجود داشته باشد این اطلاعات را ثبت کنند.

۳-۱-۴. آژانس مرکزی اطلاعات^۱:

در این راستا ماده ۱۴ کنوانسیون چهارم مقرر داشته است که یک آژانس مرکزی اطلاعات در یک کشور بی طرف برای دریافت اطلاعات مربوط به اشخاص مورد حمایت از جمله بازداشتیان ایجاد خواهد شد. کمیته بین المللی صلیب سرخ در صورت لزوم، ایجاد یک آژانس را به دول ذی نفع پیشنهاد خواهد کرد و این آژانس ممکن است، همانی باشد که در ماده ۱۲۳ کنوانسیون سوم ژنو راجع به رفتار با اسرای جنگی پیش بینی شده است.

امروزه این مراکز اطلاعاتی با عنوان آژانس مرکزی اطلاعات به منظور جمع آوری اطلاعات مربوط به اشخاص مورد حمایت، به خصوص کودکان و زیر نظر دفاتر مرکزی اطلاعات فعالیت می کنند (Bothe, 1982:478).

۱-۴-۴. ثبت هویت و مشخصات کودکان:

براساس ماده ۵۰ کنوانسیون چهارم ژنو دولت اشغالگر ملزم است تا کلیه اقدامات لازم را برای تعیین هویت اطفال و ثبت مشخصات آن ها به عمل آورد و مطلقاً وضع شخصی آن ها را تغییر نداده یا آن ها را در تشکیلات یا سازمان های تابعه خود وارد نکند (اسدی، ۱۳۸۷: ۵۸).

به منظور تشخیص اطفال کمتر از ۱۲ سال، ماده ۲۴ کنوانسیون دولت های متخاصم را ملزم کرده تا اقدامات لازم برای تشخیص هویت کلیه اطفال کمتر از ۱۲ سال به وسیله حمل یک پلاک هویت یا به هر وسیله دیگری فراهم کنند.

در این رابطه پروتکل اول الحاقی ترتیبات مهم تری را اتخاذ کرده و بند ۳ ماده ۷۸ این پروتکل مقامات ترتیب دهنده انتقال و در صورت لزوم، مقامات کشور پذیرنده را ملزم کرده تا به منظور تسهیل بازگشت کودکانی که به کشورهای دیگر منتقل شده اند، نزد خانواده و کشورشان، کارت عکس داری برای هر کودک تهیه کرده و برای دفتر مرکزی ردیابی کمیته بین المللی صلیب سرخ ارسال کنند.

1. Central Information Agency



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۵-۱. منع صدور و اجرای حکم اعدام

باوجوداینکه مجازات اعدام در حقوق بین الملل به طور کامل منع نشده است، اما جامعه جهانی تمایل زیادی به حذف و منع این مجازات دارد و تلاش می کند تا با محدود کردن و صدور و اجرای حکم اعدام در بعضی از اسناد بین المللی به این هدف نزدیک شود (Schabas, 1977: 101-103).

بند ۲ ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی بیان می دارد که در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است، صدور حکم باید فقط درخصوص مهم ترین و جدی ترین جرائم و آن هم مطابق قانون لازم الاجرا در زمان ارتکاب جرم صورت گیرد. همچنین این امر نباید با مقررات این میثاق و نیز کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل کشی (ژنو ساید) در تعارض باشد. اجرای مجازات اعدام فقط می تواند، به موجب حکم قطعی صادره از دادگاه صالح انجام شود. (International Covenant on Civil and Political Rights, 1966, art 6(b)).

در راستای حذف مجازات اعدام از مجموعه قواعد حقوق بین الملل، پروتکل اختیاری لغو مجازات اعدام منضم به میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ۱۹۸۹ شکل گرفت. البته در این سند نیز یک استثناء برای این امر وجود دارد؛ ماده یک این پروتکل تصریح کرده است که هیچ کس نباید در قلمرو یک دولت عضو پروتکل اعدام شود؛ تنها استثناء مجاز به این امر که در بند ۱ ماده ۲ پیش بینی شده است، اعمال مجازات اعدام در زمان جنگ و در صورت محکومیت به یکی از مهم ترین جنایات با ماهیت نظامی است که در زمان مخاصمات ارتکاب یافته باشد.

با ملاحظه کلی اسناد بین المللی، اگرچه مجازات اعدام به طور کلی ممنوع نشده است، اما در مورد مجازات افرادی که زیر ۱۸ سال سن دارند، این اسناد صدور و اجرای حکم اعدام را ممنوع کرده اند. میثاق حقوق مدنی و سیاسی بعد از بیان بند ۲ از ماده ۶ خود، در بند ۵ همین ماده تصریح می کند که حکم اعدام نسبت به جرائم ارتكابی توسط افراد کمتر از

۱۸ سال صادر نمی‌شود (در مورد زنان باردار نیز اجرا نمی‌شود).^۱ همچنین کنوانسیون حقوق کودک مجازات اعدام را در مورد کودکان زیر ۱۸ سال قابل اعمال نمی‌داند. در مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشردوستانه نیز این ممنوعیت به چشم می‌خورد. در این زمینه، پاراگراف آخر ماده ۱۸ کنوانسیون چهارم ژنو مقرر می‌دارد که صدور حکم اعدام در مورد اشخاص مورد حمایتی که در هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال دارند، ممنوع هست.

البته پروتکل الحاقی اول دربند ۵ ماده ۷۷ خود تنها اجرای مجازات اعدام را نسبت به افراد زیر ۱۸ سال منع کرده و در رابطه با ممنوعیت صدور حکم اعدام ساکت است. در جهت رفع این نقیصه، پروتکل دوم معیار کامل‌تری را اتخاذ کرده و حتی صدور حکم اعدام را در مورد افرادی که هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال دارند را منع کرده‌اند (GP(I), 1997, art 37). در این راستا، دیوان بدوی رواندا آقای رتاگاندا^۲ را به دلیل کشتن هزاران کودک توتسی و حمله به مدارس و کشتن کودکان محکوم کرده و کشتن کودکان در قامت هدف نظامی و به دلایل قومی - نژادی را در حکم ژنو ساید دانست (Case No. ICTR - 96-3).

۱-۶. ممنوعیت به کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه

امروزه صدها هزار کودک در نقاط مختلف جهان در درگیری‌های مسلحانه به نبرد مشغول‌اند. اگرچه در مورد تعداد و کیفیت حضور کودکان در مخاصمات اطلاعاتی دقیق وجود ندارد، اما ظواهر و گزارش‌های نهادهای ناظر حقوق بشری حکایت از وضع اسفناک حضور کودکان در نبردهای مسلحانه دارد. در یک مورد، دیده‌بان حقوق بشر در گزارش ۲۰۰۷ خود اعلام می‌دارد که در بیش از ۲۰ کشور نزدیک ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر کودک در جنگ‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند.^۳

۱. لازم به ذکر است که میثاق حقوق مدنی و سیاسی اولین سندی است که بعد از کنوانسیون چهارم ژنو، صدور حکم اعدام را نسبت به افراد زیر ۱۸ سال ممنوع اعلام کرده است.

2. George Anderson Nderabumwe Ruitaganda

3. Child use in war(2008). available at [http://fa.Wikipedia.org/w/index.php?title=old=812-317\(2009\)](http://fa.Wikipedia.org/w/index.php?title=old=812-317(2009)).

اگرچه ممکن است، پسران به دلیل داشتن توانایی جسمی نسبت به دختران در قامت سرباز بیشتر به کار گرفته شده باشند، اما دختران هم از این امر مصون نبوده‌اند (Children and War, 2002: 103). با گذر ایام و ظهور نوع جدیدی از درگیری‌ها که اغلب داخلی هستند، حضور کودکان در جنگ پررنگ‌تر از سابق شده است. این درگیری‌ها که تحت‌تأثیر انگیزه‌های قومی - نژادی و جنبه «هویت‌طلبانه» دارند (ممتاز و رنجبریان، همان: ۱۸)، آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه یعنی کودکان را متحمل بیشترین خسارت می‌کنند. پیشگیری از استخدام کودکان در مخاصمات مسلحانه، راهکاری اساسی است تا بتوان از آن‌ها در برابر تجاوز به بسیاری از حقوقشان جلوگیری کرد (جوادیپور، ۱۳۹۵: ۲۲).

درحالی‌که بسیاری از کودکان به‌طور مستقیم در مخاصمات شرکت می‌کنند، تعداد بسیاری از آن‌ها نیز به‌صورت غیرمستقیم به کار گرفته می‌شوند، مانند مبادرت به جمع‌آوری اطلاعات، انتقال و ابلاغ دستورهای نظامی و حمل مهمات و آذوقه برای رزمندگان (همان، ۱۲۴).

با این تصویر و نگرانی روبه‌فزونی جامعه بین‌المللی درخصوص کودکان در قامت یک نظامی، بسیاری از سازمان‌ها فعالیت‌های مختلفی را در این رابطه انجام داده‌اند و معاهداتی چند نیز به تصویب رسیده است که عبارت‌اند از: پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو^۱، منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک^۲، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری^۳، مقاله‌نامه شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار^۴، پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک^۵ و کنوانسیون حقوق کودک^۶.

1. GP(I), 1977, art.4 and GPII 1977, art.4.

2. African Charter on the Rights, and Welfare of the Child, art.22.

3. Art 8 (b) (XXVI) of Rome statute

4 ILO Convention Concerning the Prohibition and Impenetrable Action for Elimination of the worst forms of Child Labour, art.3.

5. Optional Protocol to the Convention on the Right of the Child on the Involvement of Children in Armed Conflict, 2000.

6. The Convention on the Rights of the Child, 1989, art.38(b)

به جهت رعایت اختصار در این قسمت باتوجه به اهمیت موضوع و اختصاص یک سند در این رابطه، به تحلیلی مختصر از پروتکل الحاقی (و اختیاری) به کنوانسیون حقوق کودک می پردازیم.

براساس ماده ۱ پروتکل، دولت های متعاقد باید کلیه اقدامات ممکن را به منظور جلوگیری از شرکت مستقیم اعضای نیروهای مسلح که به سن ۱۸ سال نرسیده اند، در مخاصمات مسلحانه انجام دهند.

براساس این ماده می توان نتایج زیر را استنتاج کرد:

الزام دولت ها برای اتخاذ اقدامات ممکن، مطلق نبوده که می توان گفت این الزام نوعی تعهد به وسیله است. در این خصوص مندرجات این ماده تا حدی مشابه مندرجات پروتکل های ۱۹۷۷ است، زیرا با وجود اینکه حداقل سن را از ۱۵ سال به ۱۸ سال افزایش داده است، اما ملزم نکردن دولت ها به صورت مطلق، راه را برای استخدام و شرکت کودکان در مخاصمات مسلحانه باز می گذارد.

موضوع دیگر مربوط به دامنه حمایت مقرر شده برای کودکان در برابر درگیر شدن در مخاصمات است. براساس این ماده کودکان در برابر «مشارکت مستقیم» در مخاصمات حمایت می شوند.

همچنین از آنجایی که در این ماده فقط به شرکت مستقیم افراد زیر ۱۸ سال که عضو نیروهای مسلح دولتی باشند، اشاره شده، برای همین در خصوص سایر نیروهای مسلح غیردولتی باید سایر قواعد حقوق بشردوستانه رعایت شود.

بند ۱ ماده ۳ پروتکل دولت های متعاقد را ملزم می کند که در استخدام افرادی که به سن ۱۵ سال رسیده اما هنوز به سن ۱۸ سال نرسیده اند، به افرادی که سن بالاتری دارند اولویت بدهند.

بند دو نیز دولت ها را متعاقد می کند تا هنگام تصویب یا الحاق به این پروتکل اعلامیه ای صادر کنند و حداقل سن مجاز برای استخدام داوطلبانه را تعیین کنند.

به دلیل اینکه هر یک از دولت های متعاقد می توانند در هر زمانی معیارهای مندرج در این اعلامیه ها را افزایش دهند، می توان چنین استنباط کرد که دولت هایی که عضو این پروتکل

می‌شوند، در آینده نمی‌توانند حداقل سن خدمت داوطلبانه را از حداقل سنی که در اعلامیه‌شان تعیین کرده‌اند، کاهش دهند و فقط می‌توانند آن را افزایش دهند (Matthew, 2000: 256).

در بند ۳ این ماده دولت‌های متعهد ملزم شده‌اند که در صورت استخدام افراد زیر ۱۸ سال در نیروهای مسلحشان تدابیری را برای تضعیف این امر که چنین استخدامی واقعاً داوطلبانه بوده است، اتخاذ کنند. این تضمین‌ها علاوه بر استخدام داوطلبانه، باید شامل استخدام آگاهانه و همراه با رضایت کامل والدین یا سرپرست قانونی کودکان باشد (Optional Protocol, Art. (C)).

دولت‌های متعهد باید فقط افرادی را به خدمت بگیرند که بتوانند دلیل قابل قبولی درخصوص تمایل و انگیزه آن‌ها برای خدمت داوطلبانه بیاورند و هنگام تصویب یا الحاق به این پروتکل باید اعلامیه‌ای صادر کرده و در آن تدابیری را که برای تضمین عناصر فوق مدنظر دارند، ذکر کنند.

همچنین بند ۵ این ماده بیان می‌دارد که افزایش حداقل سن از ۱۵ سال به ۱۸ سال که در بند اول این ماده پیش‌بینی شده است در ارتباط با ثبت‌نام یا پذیرش عضویت در مدارس نظامی که تحت کنترل نیروهای مسلح دولت‌های متعهد باشد، اجرا نمی‌شود. البته باید بر این موضوع توجه داشت که چنین ترتیبی باید با رعایت ترتیبات مندرج در کنوانسیون حقوق کودک انجام شود (Arts. 28, 29 of the CRC).

بند اول از ماده ۴، گروه‌های مسلح متمایز از نیروهای مسلح غیردولتی را ملزم کرده تا تحت هیچ شرایطی افراد زیر ۱۸ سال را استخدام نکرده و از آن‌ها در مخاصمات مسلحانه استفاده نکنند.

تعهدات مندرج در این ماده تا حدی سخت‌گیرانه‌تر از تعهدات نیروهای مسلح دولتی است، چراکه ممنوعیت مذکور در این ماده ممنوعیت مطلق است. این امر را شاید بتوان ناشی از آن دانست که ایجاد محدودیت بیشتر برای گروه‌های مسلح غیردولتی مطلوب‌تر از این است تا اینکه خودشان را محدود کنند.

اما سؤال مهمی که می‌توان مطرح کرد این است که چرا این ممنوعیت مطلق برای نیروهای مسلح تحت اقتدار دولت مطرح نیست؟ شاید مسئله از اینجا ناشی شود که به لحاظ واقعیت‌های موجود حقوق بین‌الملل، علی‌رغم همه پیشرفت‌هایی که در تحت نظم‌درآوردن حاکمیت دولت‌ها صورت گرفته است، همچنان مفهوم وستفالیایی دولت پابرجاست. ایجاد محدودیت‌هایی که با این واقعیت‌ها سازگار نباشد موجب اجرا نشدن قاعده حقوقی می‌شود.

همچنین ممکن است این موضوع هم مطرح شود که ممکن است یک دولت در شرایط استثنایی نیاز مبرم به کمک‌های غیرمستقیم یا حتی مستقیم کودکان در برابر نیروهای دشمن داشته باشد. در صورتی که محدودیت به کارگیری کودکان در جنگ مطلق باشد، درواقع علاوه بر تثبیت تجاوز صورت‌گرفته از سوی دشمن، حق دفاع مشروع دولت‌ها تضعیف می‌شود. این موضوع بیشتر در مورد کشورهایی که از ارتش ضعیف برخوردار هستند، مطرح می‌شود که عموماً هم خاستگاهشان کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین است.

به نظر می‌رسد، علی‌رغم غلط نبودن گزاره‌های مذکور در مورد شرایط فعلی حاکمیت‌ها، با ورود کودکان به جنگ، کودکی و انسانیت این قشر را فدای مصالح فوق می‌کنیم. گروهی از انسان‌ها که خود امانت‌دار نسل‌های بعدی هم هستند. درواقع علاوه بر مهم‌ترین حق انسانی که حق حیات است (قربان نیا، ۱۳۸۸: ۹۲) و در جنگ به صورت مضاعف مورد تهدید واقع می‌شود، سایر حقوق آن‌ها از جمله حقوق مطروح در این اثر باید مورد تجاوز قرار گیرد تا مصالح فوق مخدوش نشوند (برای مطالعه بیشتر رش: میر کمالی و پور حسن زیوه، ۱۳۹۳: ۱۲۴-۹۵). اینکه چگونه می‌توان از یک سوی مصالح مذکور مدنظر قرار گیرد و از سوی دیگر کودکان به طور مطلق در جنگ مشارکت داده نشوند، باید دنبال راهکارهای دیگری بود. در این راستا در سال‌های اخیر از سوی نهادهای مختلفی از جمله سازمان ملل متحد طرح مسئولیت حمایت مطرح شده است. در این نظریه در درجه اول دولت مستقر و سپس جامعه بین‌المللی تکالیفی دارند که با ترتیبات بیان‌شده از وقوع جرائم نسل‌کشی، جرائم جنگی، پاک‌سازی قومی و جرائم علیه بشریت جلوگیری کنند

(Report of the International Commission on Intervention and State Sovereignty, 2001:13)

اگرچه این نظریه در مراحل اولیه خود قرار دارد و در حال تکامل است ولی در صورت اجرا بسیاری از مصائبی که از جنگ برمی آید، کنترل می شود.

بنابراین چاره کار در ورود کودکان به جنگ برای رسیدن به مصالحی بالاتر نیست، بلکه جامعه بین المللی باید با بهره گیری از مفاهیم و نهادهای برآمده از نوع بشریت، وارد میدان شود و زمینه های وقوع جرائم مذکور را برچیند تا از این طریق نه تنها تجاوزهای خلاف موازین حقوق بین الملل برچیده شود، بلکه زمینه های وقوع جنگ به طور کلی ریشه کن شود؛ چراکه مسئولیت حمایت در مراحل پیشگیری و بازسازی (سواری و حسینی بلوچی، ۱۳۹۰: ۱۹۸-۱۹۲) اگر به درستی اجرا شود، بسیاری از مسائل فوق حل می شود.^۱

در این خصوص دادگاه ویژه سیرالئون در کیفرخواستی که علیه آقای کورما^۲ رئیس یکی از گروه های شورشی صادر کرده است، استفاده از پسران و دختران زیر ۱۵ سال در مخاصمات مسلحانه را از جمله اتهامات آقای کورما دانسته و این اعمال را در زمره جنایت علیه بشریت تلقی کرده است (Case No.SC-CL-03-I).

۲- حقوق بشردوستانه مختص گروه هایی از کودکان

در این قسمت به گروه هایی از کودکان که در وضعیت خاص قرار گرفته اند، می پردازیم.

۱-۲. حمایت از کودکان در سرزمین های اشغالی

مواد ۴۲ تا ۵۶ مقررات ضمیمه کنوانسیون دوم لاهه ۱۸۹۹ و کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ در ارتباط با قوانین و عرف های جنگ زمینی و بخش دوم از کنوانسیون چهارم ژنو از مواد ۴۷ تا ۷۸ به حمایت از غیرنظامیان از جمله کودکان در سرزمین های اشغالی اختصاص داده شده است.

براساس ماده ۴۷ اشخاص مورد حمایت که در اراضی اشغال شده باشند در هیچ مورد یا به هیچ نحو از مزایای این قرارداد، خواه به موجب هر تغییری که به علت اشتغال در سازمان

۱. برای دیدن ابعاد این موضوع و نتایج اجرای مسئولیت حمایت رش (عبدی و رضانی قوام آبادی، ۱۴۰۳)

2. Jahnny paul koroma

یا در حکومت اراضی مزبور قرار داده شده باشد، خواه به موجب موافقت‌نامه‌ای که بین مقامات اراضی اشغال‌شده و دولت اشغال‌شده منعقد شده باشد و خواه به علت اینکه دولت اشغال‌کننده تمام یا قسمتی اراضی اشغال‌شده را به خاک خود الحاق کرده باشد، محروم نخواهند شد.

نکته قابل توجه این است که این حمایت شامل غیرنظامیانی که تبعه دولت اشغال‌شده یا دولت بی‌طرف هستند، نیز می‌شود و از این رو، شامل اتباع دولت اشغالگر که در قلمرو سرزمین‌های اشغالی تابع حقوق داخلی آن دولت هستند، نمی‌شود (برای مطالعه موردی رک: برادری، ۱۳۸۸: ۱۵۹-۱۲۱). در این خصوص در دادگاه رواندا آقای جین رامبادا^۱ را به دلیل کوتاهی در مراقبت و تضمین امنیت کودکان مجروح مستقر در بیمارستان که منجر به کشته شدن آن‌ها شود، محکوم کرد (Case No. ICTR-97-23-5, 4 Sep 1998).

۱-۲. ممنوعیت کار اجباری و خدمت در نیروهای مسلح دولت اشغالگر:

ماده ۲۴ کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه و بند (ب) ماده ۲۳ کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه با ممنوعیت خدمت در نیروهای مسلح دولت اشغالگر مقرر داشته است که اجبار اتباع دشمن از سوی دولت متخاصم به شرکت در عملیات جنگی علیه دولت متبوعش ممنوع است، حتی اگر اتباع مذکور قبل از شروع جنگ در خدمت دولت متخاصم بوده باشند.

بند ۱ ماده ۵۱ کنوانسیون چهارم ژنو نیز دولت اشغالگر را از اجبار اشخاص مورد حمایت به خدمت در نیروهای مسلح و کمکی خود منع کرده است، اما از آنجاکه این ماده فقط خدمت اجباری را منع کرده برای همین خدمت داوطلبانه مغایرتی با این کنوانسیون نخواهد داشت، اما به منظور محدود کردن دایره شمول خدمت داوطلبانه و اثرگذاری بر اراده سکنه به منظور جلب آن‌ها به خدمت در نیروهای مسلح هرگونه فشار یا تبلیغی از سوی دولت اشغالگر برای استخدام داوطلب منع شده است.

1. Versus Jean Rambada

در رابطه با ممنوعیت کار اجباری، کنوانسیون چهارم ژنو این ممنوعیت را به اشخاص مورد حمایت زیر ۱۸ سال تسری داده و دربند ۲ ماده ۵۱ خود تصریح کرده است که اجبار اشخاص مورد حمایت زیر ۱۸ سال توسط دولت اشغالگر به انجام کار ممنوع است.

۲-۱-۲. ممنوعیت انتقال اجباری کودکان از سرزمین‌های اشغالی:

به دنبال اخراج اجباری و گسترده افراد غیرنظامی از سرزمین‌های اشغالی در طول جنگ جهانی دوم که عموماً به قصد الحاق سرزمین یا کار اجباری بود، در ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو تدابیر مهمی پیش‌بینی شده است که براساس آن انتقال اجباری اشخاص مورد حمایت به صورت دسته جمعی یا انفرادی و اخراج آن‌ها از سرزمین‌های اشغالی به هر علتی ممنوع است و این انتقال همچون انتقال غیرقانونی و نقض عمده^۱ کنوانسیون تلقی می‌شود.

البته دولت اشغالگر می‌تواند، در صورتی که امنیت اهالی یا موجبات عالیه نظامی ایجاب کند به تخلیه تمام یا قسمتی از ناحیه اشغال شده مبادرت ورزد. اما این تخلیه موجب نقل مکان اشخاص مورد حمایت به خارج از سرزمین‌های اشغالی نمی‌شود، مگر به دلایل مادی و یا در صورتی که نقل مکان غیرممکن باشد.

بنابراین امنیت اهالی و ضرورت نظامی، استثنائات وارده بر ممنوعیت انتقال کودکان به سرزمین‌های دیگری است. ویژگی مهم این استثنائات موقتی بودن اعمال آن است و به محض عادی شدن اوضاع و تأمین امنیت منطقه باید برگردانده شوند (Pictet, OP. Cit: 278).

مشکل عمده‌ای که در اعمال این قاعده وجود دارد، این است که منظور از امنیت اهالی و ضرورت نظامی روشن نیست و برای همین ابهام موجود در قلمرو موضوعی و مفهومی این استثنائات ممکن است، منجر به این شود که این استثنائات جای اصل را بگیرد (Ibid, p. 84).

1. Grave Breach.

۳-۱-۲. تأمین آموزش و سرپرستی کودکان:

معمولاً در جریان مخاصمات مسلحانه و خصوصاً اشغال نظامی، روند عادی زندگی مردمان ساکن در این سرزمین‌ها، به‌ویژه کودکان که قربانیان اصلی این حوادث هستند، مختل می‌شود، برای همین کنوانسیون چهارم دولت اشغالگر را ملزم کرده تا در حدود امکانات در دسترس خود احتیاجات مردم به مواد غذایی، پرستاری‌های طبی و وسایل پزشکی و دارویی را تأمین کند. براساس ماده ۵۰ این کنوانسیون دولت اشغالگر نباید از اجرای اقدامات ویژه‌ای که ممکن بود قبل از اشغال به‌نفع اطفال کمتر از ۱۵ سال، زنان باردار و مادران اطفال کمتر از ۷ سال از حیث غذا و پرستاری‌های طبی و حفاظت از اثرات جنگ اتخاذ شود، ممانعت کند. علاوه بر این دولت اشغالگر باید با معاضدت مقامات ملی و محلی، حسن اداره مؤسسه‌های مخصوص پرستاری و تربیت اطفال را تسهیل کرده و در صورت نداشتن توانایی مؤسسه به نگهداری و تربیت اطفال که به‌علت جنگ یتیم یا از خانواده خود جدا شده‌اند و در صورت فقدان خویشاوند نزدیکی که بتوانند این کار را تأمین کنند، اقدامات لازم را جهت نگهداری و آموزش این اطفال توسط اشخاصی که در صورت امکان هم ملیت، هم‌زبان و هم‌مذهب آنان باشد، به عمل آورد (for more information cf: Pictet, op.cit: 185-290).

۳-۲. حمایت از کودکان بازداشت‌شده

براساس ماده ۷۹ کنوانسیون چهارم ژنو، دولت‌های متخاصم اشخاص موردحمایت را فقط در صورت رعایت مفاد مواد ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۶۸، ۷۸ این کنوانسیون می‌توانند، بازداشت کنند؛ بنابراین بازداشت کودکان که در زمره اشخاص موردحمایت هستند، صرفاً با رعایت مواردی است که در این مواد آمده است.

بر این اساس بازداشت یا اقامت اجباری اشخاص موردحمایت بیگانه که در سرزمین یک دولت متخاصم مقیم هستند، فقط در صورتی امکان‌پذیر است که امنیت دولتی که اشخاص مزبور را در اختیار دارد، این عمل را ضروری ساخته باشد و در این صورت نیز دولت بازداشت‌کننده ملزم است تا در اسرع وقت اسامی اشخاص موردحمایتی که از بازداشت آزاد شده‌اند را به اطلاع دولت حامی برساند، مگر اینکه خود اشخاص مزبور متمایل نباشند.

در صورت بازداشت شدن اشخاص مورد حمایت به اتهام ارتکاب جرم در سرزمین های اشغالی، این افراد در صورت امکان باید از سایر بازداشتیان تفکیک شده و از رژیم غذایی و بهداشتی کافی بهره مند شوند. همچنین جیره غذایی بازداشتیان باید از لحاظ کمیت، کیفیت و تنوع، کافی بوده تا سلامتی آنان حفظ شده و از گسترش نارسایی های غذایی جلوگیری کند.

در خصوص کودکان نیز باید رژیم مخصوص آن ها رعایت شده و کودکان زیر ۱۵ سال باید اضافه غذایی متناسب با احتیاجات جسمی خود دریافت کنند - (GC (IV), 1949, arts. 89-94).

همچنین دولت بازداشت کننده باید بازداشتیان را به فعالیت های فکری، آموزش، تفریحی، ورزشی و... تشویق کرده و اقدامات لازم را در جهت تأمین امکانات مناسب برای این فعالیت ها فراهم کند.

آزادی انجام فعالیت های فکری، آموزشی و تفریحی به گونه ای است که بازداشتیان در انجام و انجام ندادن آن ها کاملاً مختار باشند و از این رو اجبار آن ها به شرکت در این فعالیت ها یا مانع آن ها مغایر با این آزادی تلقی خواهد شد.

یکی از وسایل و روش های انجام فعالیت های فکری و آموزشی، تحصیل و مطالعه در مدرسه و مذاکره آموزشی است، برای همین دولت بازداشت کننده ملزم شده تا تسهیلات لازم برای ادامه تحصیل بازداشتیان را تأمین کرده و آن ها باید بتوانند، خواه در داخل بازداشتگاه و خواه خارج از آن، به مدرسه بروند (Templa, 2004: 72).

همچنین به بازداشتیان باید فرصت داده شود تا به تمرین های بدنی و ورزش های دسته جمعی و بازی در هوای آزاد بپردازند و بدین منظور باید فضاهای کافی در کلیه بازداشتگاه ها پیش بینی شده و برای کودکان و جوانان زمین های بازی مناسب تخصیص یابد و اعضای خانواده و به ویژه والدین و کودک آن ها، باید در تمام مدت بازداشت در یک بازداشتگاه با هم جمع شوند، مگر در مواردی که به دلایل سلامت و بهداشت آن ها و به منظور اجرای مجازات های جزایی و انتظامی جدایی موقت آن ها از یکدیگر ضرورت یابد (GCIV, 1949, arts. 82 and 94).

بازداشتیان می‌توانند، تقاضا کنند که کودکانشان که بدون محافظت و سرپرستی اقوام رهاسده‌اند، با خود آن‌ها بازداشت شوند. اگرچه کنوانسیون چهارم در خصوص الزام دولت بازداشت‌کننده نسبت به قبول این تقاضا ساکت است، اما با توجه به بند ۲ ماده ۸۲ که مقرر شده است، اعضای یک خانواده در مدت بازداشت باهم مجتمع خواهند شد که به نظر می‌رسد، پذیرش تقاضا برای امر فوق الزامی باشد. بند ۴ ماده ۷۷ پروتکل اول مقرر کرده است، در صورتی که کودکان به دلایل مربوط به مخاصمات مسلحانه دستگیر یا بازداشت شدند یا تحت نظر قرار گیرند، باید در محلی جدا از بزرگسالان نگهداری شوند، مگر در مواردی که خانواده‌هایی باهم بازداشت شده باشند که در این صورت همچون واحد خانوادگی اسکان داده می‌شوند.

در رابطه با افرادی که در طول مخاصمات مسلحانه داخلی آزادی‌شان محدود شده است، ماده ۵ پروتکل دوم الحاقی ترتیباتی را پیش‌بینی کرده است که شامل کودکان نیز می‌شود. براساس این ماده نسبت به اشخاصی که به دلایل مربوط به مخاصمات مسلحانه آزادی محروم شده‌اند، اعم از اینکه بازداشت یا زندانی شده باشند، باید حداقل الزامات از جمله: تأمین غذا، آب آشامیدنی، محیط سالم و بهداشتی، آسایش فردی و جمعی و... فراهم شود و مکان‌های زندان و بازداشت نباید نزدیک مناطق جنگی باشد و با افراد بازداشت‌شده باید با رفتار انسانی برخورد شود (Ancheta, Op. it: ۸۴).

همچنین شق چهارم بند ۳ از ماده ۴ این پروتکل تصریح کرده است که کلیه حمایت‌های ویژه مربوط به کودکان در طول مخاصمات مسلحانه در رابطه با اطفال زیر ۱۵ سال که علی‌رغم منع شرکت در مخاصمات مسلحانه داخلی شرکت کرده و اسیر شده‌اند، قابل اجرا است.

۲-۳. قواعد اعمال رفتار با کودکان بیگانهان

اصولاً مقررات مربوط به رفتار با بیگانهان در داخل قلمرو یک دولت متخاصم همان قواعد و مقرراتی است که در حقوق آن کشور برای رفتار با بیگانهان در زمان صلح پیش‌بینی شده است.

ماده ۳۸ کنوانسیون چهارم ژنو ضمن تصریح به استمرار قواعد مربوط به رفتار با بیگانگان در زمان صلح با زمان جنگ، به منظور یکنواخت کردن قواعد مربوط به حمایت از بیگانگان و جلوگیری از رعایت نکردن آنها توسط دولت‌های متخاصم بیان کرده است که در هر صورت حقوق زیر باید از سوی دولت‌های متخاصم نسبت به بیگانگان ساکن در سرزمینشان رعایت شود.

الف) این اشخاص باید بتوانند، کمک‌های انفرادی یا دسته‌جمعی را که برای آنها فرستاده می‌شود، دریافت کنند.

ب) در صورت ضرورت باید به‌طور برابر و مساوی با اتباع دولت متخاصم از مراقبت‌های پزشکی و پرستاری برخوردار شوند.

پ) آنها مجاز به انجام اعمال مذهبی خود بوده و می‌توانند از کمک‌های معنوی روحانیون مذهبی خود استفاده کنند.

ت) در صورتی که محل اقامت آنها در معرض خطر جنگ باشد، باید به آنها اجازه داده شود تا حدی که در رابطه با اتباع سرزمین دولت متخاصم معمول است، از آنجا تغییر مکان دهند.

ث) اطفال کمتر از ۱۵ سال، زنان باردار و مادران اطفال کمتر از ۷ سال باید از هرگونه رفتار ویژه به‌میزانی که درباره اتباع دولت متخاصم معمول است، برخوردار شود.

لازم به ذکر است که در رابطه با قواعد اعمال رفتار با بیگانگان، این اصل مطلق نیست. یعنی براساس حقوق مخاصمات مسلحانه لزومی ندارد که قواعد قابل اعمال بر بیگانگان در هنگام مخاصمات مسلحانه صرفاً همان قواعدی باشد که در زمان صلح نسبت به آنها قابل اعمال است (Pictet, op. cit.: ۲۸۴).

کنوانسیون چهارم ژنو این حق را برای دولت متخاصم شناخته است تا در صورت لزوم اقدامات نظارتی یا امنیتی خاصی را نسبت به بیگانگان به عمل آورد و حتی به دولت‌های متخاصم اجازه داده است تا در راستای این اقدامات نظارتی از اقدامات اجباری یا بازداشت که از شدیدترین اقدامات نظارتی هستند نیز استفاده کنند.

برآمد

با بررسی حقوق بین الملل بشردوستانه روشن می شود که مقررات قابل توجهی در خصوص حمایت از غیرنظامیان به طور عام و کودکان به طور خاص شکل گرفته است. این مقررات عمدتاً از معاهدات، عرف و اصول کلی حقوق شکل می گیرد. کودکان باتوجه به شرایط خاصی که دارند، علاوه بر برخورداری از این حقوق از حمایت ویژه ای نیز برخوردار هستند. این امر به طور خاص در اسناد بین المللی نمود پیدا کرده است. به عبارت دیگر اسناد مورد بررسی در این اثر به صورت ویژه بر حمایت از کودکان تمرکز دارند. اینکه تا چه اندازه قابلیت اجرایی پیدا می کند و حقوق کودکان رعایت می شود، امری جداگانه است. البته صرف شکل گیری قاعده آن هم در قالب معاهده امری مهم و اساسی در جهت حمایت از کودکان است. بررسی این مهم و استخراج آن، می تواند گامی هرچند کوچک در جهت تبیین و رعایت هر چه بیشتر حقوق کودکان در شرایط جنگی باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- باقرزاده، رضوان و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۹۴). بنیان اجرای حقوق بشردوستانه: تعهد دولت‌ها به رعایت و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه. پژوهش حقوق عمومی، ۱۶(۴۶)، ۱۲۵-۱۵۴.
- برادری، خسرو (۱۳۸۸). حقوق کودک در اسناد بین‌المللی (چگونگی اجرای حقوق کودکان فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی). کانون وکلای دادگستری مرکز، ۳۷(۲۰۶)، ۱۲۱-۱۶۰.
- جواد، مریم (۱۳۹۵). حمایت از حق سلامت کودکان در مخاصمات مسلحانه از منظر اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۳(۴)، ۲۸-۱.
- سادات اسدی، لیلا (۱۳۸۷). حق کودک بر هویت. فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۱۳(۴۹)، ۲۶-۴۶.
- سادات اسدی، لیلا (۱۳۸۷). حق کودکان بر بودن با والدین و خویشاوندان. فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۱۴(۵۱)، ۵-۳۱.
- سواری، حسن؛ و حسینی بلوچی، مهدی (۱۳۹۰). مسئولیت حمایت از حرف تا عمل، پژوهش حقوق، ۱۳(۳۲)، ۱۷۳-۲۰۴.
- سید ناصری، محمد مهدی و درویشی، سینا (۱۴۰۲). حمایت از حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق و مطالعات نوین، ۴(۲)، ۱-۳۱.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۳). حقوق جنگ. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- عبدی، ابوذر و رمضانی قوام آبادی، محمدحسین (۱۴۰۳). چالش‌های مفهومی و ساختاری مسئولیت حمایت، پژوهش‌های حقوقی، ۲۵(۶۷).
- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۹). حقوق بشر در جهان معاصر (جلد دوم)، چاپ دوم، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- قربان نیا، ناصر (۱۳۸۸). جلوه‌های حمایت از حیات کودکان. نامه مفید (نامه حقوقی)، ۱۵(۷۶)، ۹۱-۱۱۰.
- محبوب، سعید (۱۴۰۲). حق تأمین کودک و روش‌شناسی آن در کنوانسیون حقوق کودک و نظام حقوقی ایران، فلسفه حقوق (۱۲)، ۱۴۴-۱۶۶.
- مصفا، نسرين (۱۳۸۳). کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌برداری از آن در حقوق داخلی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۵). حقوق بین‌الملل بشردوستانه (مخاصمات مسلحانه داخلی). تهران: نشر میزان.
- میر کمالی، سید علیرضا؛ و پور حسن زیوه، سحر (۱۳۹۳). جرم سر بازگیری کودکان از منظر حقوق بین‌الملل کیفری، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۲(۴)، ۹۷-۱۲۶.

References

Book

- Bothe, Michael, Partsch. K, and self. W (1982), *New Rules for Victims of Armed Conflicts*, London, Martinus Nijhoff.
- Dongen, Yvonne van (1991), *The Protection of Civilian Populations in Time of Armed Conflict*, Amsterdam, Groningen.
- Lundy, Laura (2020), *The rights of child human rights defenders: Implementation Guide*, Geneva, Queen's University of Belfast.
- Templa, Mae Fe, Ancheta (2004), *Understanding Children in Conflict with the Law*, The UK : Save the children.
- Pictet, Jean (1958), *Commentary on Geneva Convention IV Relative to the Protection of Civilian Persons in the Time of War*, Geneva, International Committee of the Red Cross.
- Ressler, Everett M (1992), *Evacuation of Children from conflict Areas*, Geneva, IRC.
- Shabas, William A (1977), *The Abolition of Death Penalty in International Law*, London, Oxford university.
- The Responsibility to Protect* (2001), Report of the International Commission on Intervention and State Sovereignty, International Development Research Center.
- Yves Sandoz, Swinarski Christophe, Bruno, Zimmermann, *The Commentary of the Additional Protocols of 8 June the Geneva Conventions of 12 August 1949*, Geneva, Nijhoff Publisher.

Articles

- Happold, Matthew (2000), Child Soldiers in International Law : The Legal Regulation of Children Participation in Hostilities, *NILR*, No.47.
- Platner, Denise (1984), Protection of Children in International Humanitarian Law, *International Review of the Red Cross*, No.240, 1984.
- Children and War (2002), International *Review of the Red cross*, No.842.

Various documents

- Advisory Opinion of 28 May 1951, Reservation to the Convention on Prevention and Punishment, 1951.
- African Charter on the Rights, and Welfare of the Child.

Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, 1948.

Geneva Conventions (I.II.III.IV), 1949.

ILO Convention Concerning the Prohibition and Impenetrable Action for Elimination of the worst forms of Child Labour.

International Covenant on Civil and Political Rights, 1966.

Optional Protocol to the Convention on the Right of the Child on the Involvement of Children in Armed Conflict, 2000.

Protocol Additional to the Geneva Convention on the of 12 August 1949, Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts, 1977.

Protocol Additional to the Geneva Convention on the of 12 August 1949, Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts, 1977.

Protocol Additional to the Geneva Convention on the of 12 August 1949, Relating to the Protection of Victims of No-International Armed Conflicts, 1977.

Akaysen Case, ICTR -96-4-T.

Case No.SC- CL-03-I

Case No. ICTR -97 -23-5,4 Sep 1998

Case No. ICTR - 96-3

Internet sites

Child use in war (2008). Available at [http://fa.Wikipedia.org/w/index.php?title=old=812-317\(2009\).](http://fa.Wikipedia.org/w/index.php?title=old=812-317(2009).)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی